

عوامل مؤثر در مراتب نیت از دیدگاه قرآن و روایات

حسن فرزی / دانشجوی دکترای مدرسی معارف مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

bagheryan_49@yahoo.com

محمد باقریان خوزانی / دکترای علوم قرآن و تفسیر معارف مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

سیدمحمد رضا موسوی کرمانی / استادیار گروه اخلاق مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۲/۲۵ - پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۲۵

چکیده

اساساً نیت، به‌عنوان روح و حقیقت عمل، نقشی تعیین کننده در ارزش عمل دارد. هرچه نیت خالص‌تر باشد، آن عمل ارزشمندتر است. در مقابل، هر میزان که نیت ناخالص شود، عمل را به همان اندازه بی ارزش و حتی دارای ارزش منفی می‌کند. به عبارت دیگر، «نیت» دارای درجه و رتبه است. اما اینکه چه عواملی موجب شکل‌گیری این مراتب است، سؤالی است که کمتر مورد توجه قرار گرفته و این مقاله در صدد پاسخ به آن است. توجه به این عوامل می‌تواند، انسان را در کیفیت بخشیدن به عمل خود یاری رساند. این مقاله، به روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه آیات و روایات و مراجعه به منابع تفسیری، اخلاقی و روایی، به بررسی عوامل مؤثر در مراتب نیت از دیدگاه آیات و روایات می‌پردازد. نتایج تحقیق حاکی از این است که معرفت، ایمان، توجه و محبت، به‌عنوان عوامل شکل دهنده نیت، هر قدر ارتقا پیدا کنند، نیت هم به شکل متناظر با آنها تعالی می‌یابد، توفیق الهی در مرتبه‌ای بالاتر از سایر عوامل در تحقق نیت مطلوب مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: مراتب نیت، عوامل، قرآن، روایات، اخلاص.

مقدمه

دین اسلام بر نقش عمل در سرنوشت انسان تأکید بسیار دارد. بنابر روایات، دنیا چون مزرعه‌ای است و اعمال انسان، به‌عنوان محصولات این مزرعه، داشته‌های او را در فصل برداشت محصول در آخرت می‌سازند. هر قدر محصول برداشتی با کیفیت‌تر باشد، انسان در زندگی پس از مرگ، وضع بهتری خواهد داشت. چیزی که ارزش عمل انسان را تعیین می‌کند، نیت عمل است. هر قدر سطح نیت بالاتر باشد و به اصطلاح اخلاص عمل بیشتر باشد، عمل انسان ارزشمندتر خواهد بود. از سوی دیگر، هر قدر مرتبه نیت انسان سقوط کند، عمل او بی‌ارزش شده، بلکه ارزش منفی پیدا می‌کند. اما اینکه چه عواملی موجب شکل‌گیری مراتب نیت می‌شوند، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در کتاب‌های اخلاقی بر پایه قرآن و روایات، مانند *موجه البیضاء* و *شرح چهل حدیث امام خمینی*، همچنین در جوامع روایی مانند *بحار الانوار* و *کافی*، به موضوع نیت و مراتب آن پرداخته شده است. می‌توان به مباحث مطرح شده ذیل عناوین ریاکاری، اخلاص و نیت را در این آثار، پیشینه‌ای گسترده برای این بحث به شمار آورد. اما این منابع، در مقام بیان اینکه چه عواملی به شکل‌گیری مراتب نیت می‌انجامد، برنیاوده‌اند. به طور خاص‌تر در این موضوع آثاری وجود دارد، ولی این آثار هم به گوشه‌هایی از بحث اشاره کرده‌اند. مثلاً علامه طباطبایی در *تفسیر المیزان*، در تفسیر سوره مبارکه بقره، به طور گسترده به بیان رابطه بین محبت و متعلق آن و نیت برخاسته از آن می‌پردازند. آیت‌الله مصباح یزدی در کتاب *اخلاق در قرآن*، همچنین در کتاب *به سوی او* بیان می‌کنند که نیت برای تحقق، نیازمند عواملی است. اما به طور مبسوط این عوامل را برنمی‌شمارند. بنابراین، طبق تتبع صورت گرفته در میان آثار، اثری که به طور مشخص و در مقام استقراء این عوامل را احصاء کرده باشد، یافت نشد. این مقاله، درصدد بررسی آیات، روایات و مراجعه به شرح و تفسیر آنها در کتاب‌های تفسیری، روایی و اخلاقی، عوامل مؤثر در شکل‌گیری مراتب نیت و نقش آنها در این زمینه است.

اهمیت و ضرورت توجه به عوامل مؤثر در مرتبه نیت

مسئله مراتب نیت، مسئله‌ای بسیار مهم و ظریف است، به طوری که ممکن است یک عمل چند دقیقه‌ای مثل نماز، با تفاوت در مرتبه نیت آن، فردی را بهشتی کند و فردی دیگر را جهنمی؛ اگرچه هر دو از ظاهری یکسان برخوردار باشند. ممکن است انسان عمری به اعمال خود دل خوش کند، ولی عمل او مبتلا به آفاتی مثل ریا باشد که در مراتبی از آن، حتی فرشتگان الهی هم قادر به تشخیص ناخالصی‌های عمل شخص نیستند. اما خداوند متعال، که آگاه بر همه امور است، فساد و ناخالصی نیت را می‌بیند. از این رو، چه بسا، انسان به عملی به‌عنوان عبادت خالص خود دل ببندد، درحالی که همان عمل، موجب خشم خداوند از وی، و سبب شقاوت وی شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۰، ص ۲۶۸). از این رو، شناسایی عوامل مؤثر بر مرتبه نیت با هدف رسیدن به مراتب مطلوب نیت، از اهمیت بسیاری برخوردار است.

مفاهیم

نیت

نیت در لغت به معنای عزم، قصد (معین، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۴۸۷۹)؛ اراده، اندیشه (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۵، ص ۲۲۹۳۳) و چیزی که انسان با قلب خود، آن را قصد می‌کند (فراهیدی، ۱۴۱۰، ق، ج ۸، ص ۳۹۳). در اصطلاح، نیت، به معنای انگیزه‌های است که تأثیر آن در فعل به شکل آگاهانه صورت می‌گیرد. در واقع اگر تأثیر بالفعل میل‌های درونی انسان، در اراده او، انگیزه، تلقی شود، خود این انگیزه‌ها در دو دسته غریزی و غیرغریزی قرار می‌گیرد که ویژگی این دو دسته، به ترتیب ناآگاهانه و آگاهانه بودن آنهاست. بنابراین، انگیزه غیرغریزی در انسان، که آگاهانه در فعل او اثر می‌کند، همان نیت است (مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۲۱-۲۲).

نیت از سنخ میل و گرایش است و از این جهت، مانند نیرو، امری جهت‌دار به حساب می‌آید. پس بنابراین، نیت همواره متوجه و به سوی امری خواهد بود. گاهی به همین مناسبت، به امری که نیت به سوی آن است و مقصود انسان است، نیت اطلاق می‌شود. مثلاً اینکه نیت فرد از انجام این فعل، رسیدن به آن مقصود خاص است (مصباح، ۱۳۹۱، ص ۸۵).

مراتب نیت

مقاصد انسان در طول زندگی خود، با توجه به نوع جهان‌بینی او، می‌تواند مراتب گوناگونی داشته باشد: جهان‌بینی مادی بیشتر مقاصد مادی مثل کسب ثروت و شهرت را در پی دارد. در مقابل، جهان‌بینی الهی مقاصد و انگیزه‌های او را به سمت جلب منافع اخروی متمایل می‌کند. همچنین مقاصد اخروی خود، دارای مراتبی مختلف است که درجات عالی آن، از حد تصور خارج است، با توجه به اینکه نیت انسان در افعالش متوجه کدام یک از این مقاصد است، مراتب گوناگونی در نیت انسان پدید می‌آید.

عوامل مؤثر در شکل‌گیری مراتب نیت

نیت هم مثل سایر اعمال اختیاری انسان، برای تحقق، نیازمند مقدماتی است که کم و کیف آنها در نیت تأثیر می‌گذارد و مرتبه آن را مشخص می‌کند. بنابراین، توجه به این نکته لازم است که نیت به شکل آنی و بدون مقدمه محقق نمی‌شود؛ نمی‌توان هر شکل از نیت را بدون فراهم آوردن مقدمات آن تحقق بخشید (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، الف، ص ۳۸). در اینجا، عوامل مؤثر در شکل‌گیری مراتب نیت بیان می‌شود.

معرفت

انسان برای فعالیت در هر زمینه‌ای، باید نسبت به آن معرفت داشته باشد؛ چرا که بدون معرفت، تصویری از موضوع مورد نظر برای انسان حاصل نشده است و پرداختن به یک کار، بدون داشتن تصویری از آن، غیرممکن به نظر

می‌رسد. حال، خود این معرفت می‌تواند از یک تصور ساده شروع شود و تا مراتب عالی معرفت، متناسب با مرتبه وجودی فاعل و موضوع معرفت پیش رود.

نیت هم به همین ترتیب است. هرچند شاید بتوان برای مراتب اولیه نیت و صرف تحقق انگیزه درونی برای شخص، صورتی را فرض کرد که شخص نسبت به نیت خود آگاه نباشد، اما فرد در چنین حالتی هم هرچند به شکل اجمالی، در ضمیر خود نسبت به مقصد و فعل پیش رو آگاهی دارد (همو، ۱۳۹۰، ص ۲۹۷).

مطلب دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، این است که مرتبه معرفت هم، با مرتبه نیت حاصل از آن رابطه مستقیم دارد؛ به این معنا که در مراتب معرفت، اگر جهان‌بینی فرد مادی باشد، تمام هم و غم او، در جهت ارضای نیازهای مربوط به زندگی دنیوی خواهد بود، اعم از نیازهای جسمانی و یا مراتبی بالاتر از آن که نیازهای عاطفی و اجتماعی قرار دارند. اگر انسان در وادی معنویت گام بردارد و به وجود خداوند متعال و رابطه ربوبی بین او و خود معرفت یابد، دنیا در نگاه وی رنگ می‌بازد و در پی رسیدن به مقامات اخروی، کارهای خود را سامان می‌دهد و هر قدر در معرفت و شناخت حق تعالی پیش رود و برای وی معرفت یقینی حاصل شود، عمل وی خالصانه‌تر می‌شود تا جایی که عمل خود را با خلوص تام انجام داده، انگیزه او از عمل تنها جلب رضایت حق تعالی است. این مفاد کلام امیر مؤمنان علیه السلام است که می‌فرماید: «سبب الإخلاص اليقين (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۶).

البته در ارتقای کیفیت عبادت و حرکت به سمت خلوص، افراد به میزان تفاوت در مراتب معرفتشان، متفاوت هستند. ممکن است کسی عمل خود را برای رسیدن به نعمت‌های بهشتی از ریا و خوشایند دیگران خالص کند که این هم سطح ارزشمندی است. در مقایسه با کسی که نعمت‌های بهشتی را چون از سوی خداوند است، دوست دارد؛ در مرتبه نیت و خلوص عملشان متفاوت هستند، تا برسد به عمل امیر مؤمنان علی علیه السلام که ملاک سنجش خلوص نیت در عمل دیگران است، او که به فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله، ضربه شمشیرش در جنگ خندق، برتر از اعمال همه مسلمانان تا روز قیامت است «ضربة علی يوم الخندق أفضل من أعمال أمتی إلى يوم القيامة» (طبری آملی، ۱۴۱۵ق، ص ۶۴۹).

ایمان

گفته شد که انسان برای تحقق هر عملی، درونی یا بیرونی از جمله نیت، باید نسبت به کم و کیف آن معرفت داشته باشد. اما این، شرط لازم است و کافی نیست؛ یعنی می‌توان حالتی را تصور کرد که فرد معرفت قابل قبولی نسبت به خداوند داشته باشد، اما در مقام عمل افعال او رنگ و بوی الهی نگرفته باشد. خداوند متعال، در وصف انکار کنندگان نشانه‌های الهی می‌فرماید: «وَجَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا (نمل: ۱۴)؛ آن را از روی ظلم و سرکشی انکار کردند، در حالی که در دل به آن یقین داشتند». پیداست که منکرین آیات الهی، با وجود معرفت و یقین به انکار آن پرداخته‌اند، این جاست که اراده و اختیار انسان نقش مهمی را بازی می‌کنند. به این معنا که، انسان

در مرتبه اول، به خداوند، صفات او، نظام هستی و جایگاه انسان در نظام هستی علم و معرفت می‌یابد. متناسب با این معرفت، باید ایمان قلبی هم در وجود او تجلی پیدا کند؛ یعنی از روی اراده و اختیار خودش را تسلیم خدا کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۳۵۱). در این صورت، برای انجام هر فعل اختیاری، خداوند و خواست او را مد نظر قرار می‌دهد و می‌کوشد مطابق خواست او عمل کند.

پس می‌توان گفت: نیت هم که یکی از افعال اختیاری انسان است، از این قاعده پیروی می‌کند؛ یعنی تا انسان با اراده خود، خود را تسلیم خداوند نکند، نیت برآمده از جان او، صبغه‌ای الهی نخواهد داشت. اما اگر خود را تسلیم خداوند کند، اگر چه ممکن است در مراتب اولیه رشد معنوی، صرفاً به دنبال رضای خداوند نباشد و نیم‌نگاهی هم به برکات و ثمرات دنیوی اعمال نیک و یا نعمت‌های اخروی وعده داده شده داشته باشد. اما به هر صورت، تا مراتبی خواست خداوند را بر خواست خود مقدم کرده است و نیت صرفاً دنیوی و مادی را در نظر خود وارد نکرده است. این روند، حد توقفی ندارد.

توجه

برای روشن شدن اینکه مراد از توجه مؤثر در مرتبه نیت چیست، مناسب است نخست، معنای غفلت، که نقطه برابر توجه است، مشخص شود.

راغب، غفلت را سهوی می‌داند که ناشی از قلت تحفظ یا تیقظ است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۰۹)؛ یعنی عمل یا اندیشه‌ی خطایی که یا به دلیل عدم هوشیاری انسان روی داده، یا به خاطر فراموشی از انسان سرزده است. در مورد اول، که علت بروز خطا، عدم هوشیاری انسان است، گویا انسان غافل در خواب به سر می‌برد و توجه در مقابل آن بیداری به حساب می‌آید. مثل حالتی که انسان قبل از ورود به مسیر دینداری، برایش وجود دارد که به دلیل شناخت و آگاهی محدودی که از زندگی دارد، تصور می‌کند همه جهان، همین چیزهایی است که انسان به چشم ظاهری خود می‌بیند. اما اگر کمی دقیق باشد، رفته رفته در مورد مبدأ و مقصدی که او برای آن خلق شده، سؤالات و ابهاماتی برای وی شکل می‌گیرد. در این حالت، گویا انسان از خواب برخاسته و در پی کشف حقایقی است که تا به حال، به چشم او نمی‌آمدند. این حالت، همان توجهی است که در مقابل غفلت از نوع عدم هوشیاری است (مصباح یزدی - ب، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۱۵۹).

اما توجه گاهی در برابر غفلت، به معنای فراموشی و عدم التفات قرار دارد که خود می‌تواند مراتبی داشته باشد. اما آنچه به این بحث مرتبط است، در مرحله‌ای بعد از حصول مراتب اولیه ایمان قرار دارد؛ یعنی حالتی که انسان اگر چه در اثر معرفت و ایمان در پی کسب رضای خداوند است. اما ممکن است به علت قرار گرفتن در معرض زرق و برق امور دنیوی، التفات و توجه خود را به حضرت حق از دست بدهد، یا توجه او کمرنگ شود، اینجاست که اگرچه در عمق وجودش ایمان ریشه دارد، اما روی آن را غباری از غفلت پوشانده و نمی‌گذارد عملی از سوی انسان،

مطابق با ایمان درونی وی صادر شود، و چه بسا در این حالت، در پی برآوردن هواهای نفسانی خویش باشد. برای مثال، کسی که مجهز به ملکه تقواست، مادام که به این فضیلت در خود توجه دارد، هرگز میل به شهوات ناپسند در او ایجاد نمی‌شود. اما گاهی آتش شهوت چنان شعله‌ور می‌شود و نفس به قدری تحت جاذبه آن قرار می‌گیرد که مجالی برای توجه به فضیلت تقوا در انسان باقی نمی‌ماند، در چنین حالتی، شخص بر اثر غفلت از فضیلت تقوا یا حداقل توجهی ضعیف به آن، مقهور قوه شهوت خود می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۵، ۷۸).

بنابراین، طبق آنچه بیان شد، می‌توان گفت: هر قدر توجه انسان بر قوای انسانی خود بیشتر معطوف شود و از رابطهٔ بندگی خود و خدای متعال غفلت نوزد، می‌تواند مراتب خالصانه‌تری از نیت را اراده کند؛ چرا که جوهرهٔ توجه، فراموش نکردن حقیقتی است که نیت به سوی آن است. اگر این حقیقت حضرت حق باشد، موجب می‌شود، نیت انسان به طور مستمر، در مسیر الهی قرار بگیرد.

البته این در صورتی است که غفلت در مقابل توجه قرار می‌گیرد و در معنای نسیان یا فراموشی، به شکل ناخود آگاه آن باشد و گرنه طبق معنایی از نسیان، فراموشی، همراه با قصد و نیت بوده و انسان در درونش چنین نیتی داشته که آن را فراموش کند (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۸۰۳). در این صورت، گویا انسان به شکل آگاهانه‌ای رو به سوی شرک و گمراهی نهاده و نیت خود را در این مسیر تحقق می‌بخشد. در چنین مواردی، لحن آیات قرآن عتاب آمیز است. همانگونه که خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَى وَ قَدْ كُنْتُ بَصِيرًا قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسَيْتَهَا وَ كَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنْسَى» (طه: ۱۲۴-۱۲۶)؛ و هر کس از یاد من روی گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت و روز قیامت، او را نابینا محسور می‌کنیم! می‌گوید: «پروردگارا! چرا نابینا محسورم کردی؟! من که بینا بودم!» می‌فرماید: «آن‌گونه که آیات من برای تو آمد، و تو آنها را فراموش کردی؛ امروز نیز تو فراموش خواهی شد!». شاهد بر اینکه انسان در اینجا با توجه خود را به فراموشی زده است، این است که همانطور که انسان‌های عادی هم در موارد فراموشی غیرعمدی گذشت می‌کنند، به‌طریق اولی از سوی خداوند متعال، که ستار العیوب و ارحم الراحمین است، چنین مؤاخذه‌هایی صادر نخواهد شد.

بنابراین، در تبیینی دیگر از معنای توجه، می‌توان توجه را به معنای «روی نهادن» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ۵۵۸)؛ در نظر گرفت و این گونه نتیجه‌گیری کرد که متعلق توجه انسان هرچه باشد، نیت او، در قالب افعالی رو به سوی همان حقیقت مورد توجه، ظهور می‌یابد و مراتب آن، متناسب با جایگاه وجودی آن حقیقت، تنظیم می‌شود.

محبت

یکی دیگر از عواملی که نقش تعیین کننده در مرتبه نیت انسان دارد، محبت است. محبت را می‌توان این گونه تعریف کرد: نوعی جاذبه ادراکی بین دو موجود که حداقل یکی از آنها ذی شعور باشد که در اثر آن،

دل به سوی محبوب کشیده می‌شود. در مقابل جاذبه غیرادراکی که در مثل آهن و آهنربا وجود دارد (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۳۱۵).

سؤال این است که چگونه محبت در مرتبه نیت انسان مؤثر است؟ در پاسخ می‌توان گفت: اگر انسان نسبت به چیزی، گرایش و کشش قلبی داشته باشد موجب می‌شود، رفتار و کارهای خود را در جهت رسیدن به امر مورد علاقه تنظیم کند. گویا وجود خودش شبیه و غرق در محبوب می‌شود. بنابراین، اگر محبوب، امری باشد که از نظر وجودی جایگاه چندان والایی ندارد، عمل انسان هم چندان ارزشی نخواهد یافت. در مقابل، هرچه محبوب فرد، موجود کامل‌تری باشد، به‌دنبال گرایش قلبی ایجاد شده، انسان هم در مسیر رشد و تکامل و رسیدن به جایگاه والای معشوق خود قرار می‌گیرد. مثلاً، اگر انسان، تمام علاقه‌اش در زندگی، خوردن بیشتر و با کیفیت بیشتر باشد، این علاقه جهت و نیت رفتار او را شکل، و ارزش وی را به همان اندازه قرار می‌دهد. به تعبیر امیرمؤمنان علی علیه السلام: «ارزش او به اندازه چیزی است که می‌خورد» (ورام، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۸).

اختلاف مراتب نیت انسان در مقاصد اخروی هم وجود دارد. امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرمایند: «همانا عبادت کنندگان سه گروهند، گروهی که خدا را از روی ترس عبادت می‌کنند، و این عبادت‌بنندگان است. گروهی او را به شوق رسیدن به پاداش می‌پرستند و این عبادت‌تاجران است و گروهی به خاطر محبت به خداوند، او را عبادت می‌کنند، و این (قسم اخیر) برترین نوع عبادت است.» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۸۴). بنابراین، می‌توان گفت: کسی که بالاترین هدف و محبوبش رسیدن به بهشت یا دوری از عذاب‌های جسمانی آخرت است، به جایگاهی می‌رسد که بتواند از نعمت‌های بهشتی استفاده کند و بعضی افراد که مقامی فراتر از حد تصور دارند؛ یعنی تنها محبت خدا را می‌طلبند، محبتی که انگیزه آنها در انجام امور عبادی است، چنین افرادی از نظر رشد معنوی، به جایگاهی می‌رسند که قابل تصور نیست.

در تحلیل روند چنین جذب و انجذابی، می‌توان گفت: انسان در مسیر زندگی خود، رفته رفته با محیط پیرامون آشنا شده و در می‌یابد به برخی امور برای برطرف کردن نیازهایش وابسته است. همین امر موجب می‌شود که محبت او به چیزهایی مثل خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها تعلق بگیرد. از این جهت که آنها را برطرف کننده نیازها و ملایم ذات خود یافته است و با رسیدن به آنها احساس کمال و لذت می‌کند.

این روند با ورود انسان به مراحل جدید زندگی و کسب شناخت‌های جدید ادامه می‌یابد. مثلاً، محبت به بازی، محبت به پدر و مادر و یا محبت به دوستان که متناسب با رشد عقلانی و جسمانی فرد در وی ایجاد می‌شود. اگر این روند متوقف نشود و انسان به بعد غیرمادی خود هم توجه یابد، در سطحی بالاتر به کمالات روحی عشق می‌ورزد و در پی تحصیل آن برمی‌آید. اموری مثل ایثار، بخشندگی، صبر و حسن خلق و هرچه در این بعد پیش رود، درمی‌یابد که کمال و عشق حقیقی در رسیدن به قرب و رضای الهی است. اینجاست که در پی این هدف

برمی‌آید و رفتار و کردار خود را بر مبنای آن تنظیم می‌کند. نتیجه اینکه، امر تعیین کننده در متعلق محبت، سطح معرفت و شناخت انسان نسبت به عالم هستی است (همان، ص ۳۱۶).

اخلاص در دین، به معنای حد اعلای مرتبه نیت در مسیر بندگی، وقتی محقق می‌شود که بنده، طی این مسیر را از روی محبت و علاقه درونی انجام دهد و تنها هدف و مطلوبش، خود حضرت باری تعالی و مقرب شدن به درگاه او باشد. و این هدف از مسیر تبعیت از فرامین شریعت اسلام تحقق پیدا می‌کند؛ چرا که طبق فرموده خداوند متعال: «قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ» (آل عمران: ۳۱)؛ بگو: اگر خدا را دوست می‌دارید، از من پیروی کنید! تا خدا (نیز) شما را دوست بدارد... محبت دو سویه بین بنده و حضرت حق در گرو تبعیت از شریعت نبوی است.

توفیق

عواملی که تا اینجا بیان شد، برای تحقق نیت - در هر مرتبه ای که باشد - کافی نیست؛ چرا که یک عامل بیرونی که سایر عوامل در طول آن قرار دارند، باید وجود داشته باشد و آن عبارت است از: توفیق الهی. حقیقتی که امام جعفر صادق علیه السلام آن را موجب اخلاص در عبادات بیان می‌کنند (مصباح الشریعه، ۱۹۸۰م، ص ۲۳).

توفیق به معنای فراهم کردن اسباب کار از سوی خداوند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۲۳۸)، عاملی بیرونی است که در همه کارها، از جمله نیت کردن باید وجود داشته باشد. شاید کلام امیرالمؤمنین علیه السلام بر همین معنا اشاره دارد. آنجا که می‌فرماید: «عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بِفَسْخِ الْعَزَائِمِ وَ حَلِّ الْعُقُودِ وَ نَقْضِ الْهَمَمِ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، ص ۵۱۲)؛ خدا را با به هم خوردن تصمیم‌ها و گشوده شدن عزم‌ها و شکستن همت‌ها شناختم. علامه طباطبایی در معرفی و تبیین انواع خیر و شر به نقش توفیق در اعمال اختیاری انسان اشاره می‌کند. طبق فرمایش ایشان، خیر و شر تشریحی، در مقابل خیر و شر تکوینی، (طباطبایی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۳۴) به معنای کارهای نیک و زشتی است که از انسان صادر می‌شود و به جهت استناد آن به اختیار انسان، فعل او به شمار می‌رود. از این رو، فعل را فقط باید به خود انسان نسبت داد و خوبی و بدی آن هم با توجه به همین استناد به اختیار انسان، معنا می‌یابد؛ چرا که بدون اختیار انسان، صدور خوبی و بدی از وی و تحسین یا سرزنش او بی‌معناست. بنا براین، این اعمال را نمی‌توان به خداوند نسبت داد، مگر اینکه بگوییم عمل نیک هرکس، به جهت توفیقی است که خداوند به او داده است و عمل بد او، نتیجه ندادن توفیق. خداوند به هرکس و در هر زمانی که مصلحت بداند، توفیق می‌دهد و به هرکس که مصلحت نداند، توفیق نمی‌دهد (همو، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۳۴).

پس همه افعال حتی افعال اختیاری انسان هم نیازمند توفیق الهی است و در موضوع نیت هم اگر نیتی الهی برای انسان محقق شود، همانگونه که مستند به اختیار انسان است، مسبوق به توفیقی است که خداوند به او در

تحقق این کار عطا کرده است. چون گفته شد توفیق به معنای فراهم کردن اسباب کار از سوی خداوند است، از این جهت که اسبابی متناسب با سطح نیت انسان برای او محقق شده، می‌توان گفت: توفیقی که شامل حال انسان می‌شود، متناسب با مرتبه نیت اوست.

البته نباید این تصور ایجاد شود که در تحقق شرور و مصداق آن در بحث حاضر، نیات با مراتب نازل و یا منفی، باز هم توفیق الهی لازم است؛ چرا که شرّ در واقع چیزی جز عدم خیر نیست، و عدم تحقق نیت خالصانه، به همان میزانی که عاری از اخلاص است، در قسمت عدمی خود، نیازی به زمینه و علتی ندارد.

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف بررسی عوامل مؤثر بر مراتب نیت انسان سامان داده شد و نشان داد که:

۱. نیت، مانند سایر افعال اختیاری انسان، به شکل آنی و بدون مقدمه محقق نمی‌شود؛ و نمی‌توان هر شکل از نیت را بدون فراهم آوردن مقدمات آن تحقق بخشید.
۲. وجود معرفت برای تحقق نیت ضروری است، مرتبه معرفت هم، با مرتبه نیت حاصل از آن، رابطه مستقیم دارد. اگر انسان دنیا طلب باشد و تنها نسبت به ظاهر زندگی دنیا علم داشته باشد، نیاتی در مراتب پایین خواهد داشت و هرچه معارف الهی وجودش را فرا گیرد، به همان میزان نیات او الهی خواهد شد.
۳. ایمان و مراتب باور انسان به متعلقات آن؛ یعنی توحید، نبوت، معاد و مانند آن، در مراتب نیت انسان اثر مستقیم دارد. از این رو، کسانی که از ایمان بالاتری برخوردارند، نیت خود را می‌توانند از مراحل عمل برای مصون ماندن از عذاب و رسیدن به بهشت، به نیت برای عمل بر مبنای حب الهی و بالاتر از آن، اهلیت خداوند برای بندگی ارتقاء بخشند.
۴. دوری از غفلت و ارتقاء توجه به رابطه بندگی خود و خدای متعال، در تحقق مراتب خالصانه‌تری از نیت مؤثر است. چنانچه بی‌توجهی و غفلت انسان از روی آگاهی و عمد صورت پذیرد، گمراهی و دوری از خداوند متعال را به دنبال خواهد داشت.
۵. اخلاص در دین، به معنای حد‌اعلای مرتبه نیت در مسیر بندگی وقتی محقق می‌شود که بنده، طی این مسیر را از روی محبت و علاقه درونی انجام دهد، و تنها هدف و مطلوبش، خود حضرت باری تعالی و مقرب شدن به درگاه او باشد.
۶. همه افعال حتی افعال اختیاری انسان هم نیازمند توفیق الهی است. در موضوع نیت هم اگر نیتی الهی برای انسان محقق شود، همانگونه که مستند به اختیار انسان است، در مرتبه‌ای بالاتر از همه عوامل فوق، مسبوق به توفیقی است که خداوند به او در تحقق این کار عطا کرده است. این توفیق متناسب با مرتبه نیت انسان است.

منابع

- مصباح الشریعه، ۱۹۸۰م، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، محقق: جمال الدین میردامادی، دارالفکر، بیروت.
- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱۴۱۰ق، *غرر الحکم و درر الکلم*، محقق: سید مهدی رجائی، قم، دارالکتب الإسلامی.
- دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۳، *لغت نامه دهخدا*، چ دوم، تهران، دانشگاه تهران.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد راغب، ۱۴۱۲ق، *مفردات ألفاظ القرآن*، محقق/ مصحح: صفوان عدنان داودی، چ اول، لبنان، دار العلم - الدار الشامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۹۰ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، چ دوم، بیروت، مؤسسه الأعلمی.
- طبری آملی کبیر، محمد بن جریر بن رستم، ۱۴۱۵ق، *المستترشد فی امامه علی بن ابی طالب*، محقق و مصحح: احمد محمودی، قم، کوشانیپور.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، *کتاب العین*، محقق/ مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، چ دوم، قم، هجرت.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۹۰، *به سوی او (مشکات)*، چ چهارم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۱- الف، *عروج تا بی نهایت*، تنظیم و گردآوری: محمدرضا غیائی کرمانی، چ ششم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۳۹۴، *نقد و بررسی مکاتب اخلاقی*، تحقیق و نگارش: احمد حسین شریفی، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- _____، ۱۴۰۷ق، *الکافی*، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دارالکتب الإسلامیه.
- _____، بی تا، *کلمه حول فلسفه الاخلاق*، چ اول، قم، مؤسسه در راه حق.
- _____، ۱۳۹۱- ب، *اخلاق در قرآن*، چ پنجم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- معین، محمد، ۱۳۷۱، *فرهنگ فارسی معین*، چ هشتم، تهران، امیر کبیر.
- ورام، مسعود بن عیسی، بی تا، *تنبيه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورام)*، چ سوم، بیروت - لبنان، صعب.